



Sheikh M o h a m m a d H a s s a n V a k i l i

وحدت شخصی وجود در ذکر شریف «لا هو الا هو»

تاریخ انتشار: سه شنبه ۲۸ جمادی الثانیه ۱۴۳۵

هو العظیم

دلالت روایت بر وحدت شخصی بسیار آشکار است؛ زیرا کلمه «لا» در صورت عدم تکرار و عطف فقط بر سر نکره داخل می‌شود؛ در نتیجه «هو» در این ترکیب باید به معنای نکره یعنی هر چیزی که بتوان به او «هو» گفت به کار رود که از آن در زبان علمی به هویت تعبیر می‌شود. پس این ذکر، معادل «هیچ اوئی نیست مگر او» یا «هیچ هویتی نیست مگر او» می‌باشد که دلالت بر وجود احاطی و اطلاقی خداوند متعال دارد به گونه‌ای که همه کثرات در او فانی و مندگ می‌باشند.

وحدت شخصیه وجود در ذکر شریف «لا هو إلا هو»

یکی از روایات مبارکاتی که دلالت بسیار روشنی بر وحدت شخصیه وجود دارد ذکر شریف «لا هو إلا هو» است که در روایت به عنوان اسم اعظم شمرده شده است.

متن روایت:

شیخ صدوق در توحید، ص ۸۹ روایت می‌کند از حضرت امام صادق از حضرت امام باقر علیهما السلام که فرمودند:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَأَيْتُ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَنَامِ قَبْلَ بَدْرِ بَلِيَّةٍ فَقُلْتُ لَهُ عَلَّمَنِي شَيْئاً أَنْصُرَ بِهِ عَلَى الْأَعْدَاءِ فَقَالَ قُلْ يَا هُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ فَلَمَّا أَصْبَحْتُ قَصَصْتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ عَلَّمْتَ الْإِسْمَ الْأَعْظَمَ فَكَانَ عَلَى لِسَانِي يَوْمَ بَدْرِ وَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَلَمَّا فَرَعَ قَالَ يَا هُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ اغْفِرْ لِي وَانصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ ذَلِكَ يَوْمَ صِفِّينَ وَهُوَ يُطَارِدُ فَقَالَ لَهُ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا هَذِهِ الْكِنَايَاتُ قَالَ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ وَعِمَادُ التَّوْحِيدِ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ تَمَّ قَرَأَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَآخِرَ الْحَشْرِ ثُمَّ نَزَلَ فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الزَّوَالِ

(=) حدیث کرد مرا پدرم از پدرش از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود یک شب پیش از جنگ بدر خضر علیه السلام را در خواب دیدم و باو گفتم که مرا چیزی تعلیم کن که بآن بر دشمنان نصرت یابم گفت که بگو: یا هو یا من لا هو الا هو «ای او ای کسی که اوئی نیست مگر او»

و چون صبح کردم این خواب را بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باز گفتم بمن فرمود که یا علی اسم اعظم بتو تعلیم شده و در روز بدر این بر زبانم جاری بود و به درستی که امیر المؤمنین علیه السلام سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را خواند و چون فارغ شد فرمود که: یا هو یا من لا هو الا هو اغفر لی و انصرنی علی القوم الکافرین «ای او ای کسی که اوئی نیست مگر او بیامرز مرا و یاری کن مرا بر گروه کافران» و علی علیه السلام در روز جنگ

دلالت روایت:

دلالت روایت بر وحدت شخصی بسیار آشکار است؛ زیرا کلمه «لا» در صورت عدم تکرار و عطف فقط بر سر نکره داخل می‌شود؛ در نتیجه «هو» در این ترکیب باید به معنای نکره یعنی هر چیزی که بتوان به او «هو» گفت [۴] به کار رود که از آن در زبان علمی به هویت تعبیر می‌شود. پس این ذکر، معادل «هیچ اوئی نیست مگر او» یا «هیچ هویتی نیست مگر او» می‌باشد که دلالت بر وجود احاطی و اطلاقی خداوند متعال دارد به گونه‌ای که همه کثرات در او فانی و مندک می‌باشند.

از نکاتی که از آن دلالت این حدیث بر توحید استفاده می‌شود تعبیر حضرت امیر المؤمنین درباره آن است که این ذکر را اسم اعظم و عماد توحید نامیده‌اند. یعنی ستون توحید حقیقی همان نفی هر هویتی غیر از هویت مطلقه خداوند است.

منابع

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للسدوق)، اجلد، جامعه مدرسین - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ق.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی - اردکانی، محمد علی، اسرار توحید / ترجمه التوحید للصدوق، اجلد، انتشارات علمیه اسلامیة - تهران، چاپ: اول، بی تا.
- ۳- ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، اجلد، دار الذخائر - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ق.
- ۴- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ۳جلد، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۸ق / ۱۳۷۶ش.
- ۵- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، اجلد، شریف رضی - قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.

پانویس

۱. اسرار توحید / ترجمه التوحید للصدوق؛؛ ص ۷۸، با مختصر ویرایش
۲. وی در مقدمه می‌فرماید: و لا نقل الأحادیث فيه إلا من الكتب الصحيحة المعتمدة و الأصول المعتمدة الممهدة التي يجوز الاعتماد فی الاحكام الشرعية عليها و يجب الرجوع فی الأصول و الفروع اليها. (الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)؛ ج ۱؛ ص ۷۸)
۳. الفصول المهمة، ج ۱، ص ۱۳۶
۴. این گونه تنکیر معارف در لسان عرب متداول است؛ چنانکه اعلام شخصیه را تنکیر نموده به معنای ما یطلق علیه العلم استفاده می‌نمایند.